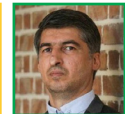


یادداشت

زمان تجدید نظر در سیاست نگاه به شرق؟



جواد حیران‌نیا

کارشناس مسائل بین‌الملل

انتشار اقدام ضد ایرانی پکن در همراهی با اعضای شورای همکاری خلیج فارس بحث‌هایی را در ایران در مورد کارآمدی سیاست خارجی «نگاه به شرق» برانگیخت. این نخستین باری بود که چین این موضع را به صورت علنی بیان می‌کرد. علاوه بر آن، در بیانیه دیگری که چین و اعضای شورای همکاری خلیج فارس منتشر کرده‌اند چین از موضع امارات متحده عربی در مورد جزایر سه گانه حمایت کرده است. چین به‌طور معمول در قبال مسائل حساس منطقه خلیج فارس موضع محافظه کارانه‌ای اتخاذ کرده بود، اما به‌طور کلی آن کشور به‌طور کامل با مواضع کشورهای منطقه در خصوص برنامه هسته‌ای ایران، سیاست منطقه‌ای، برنامه موسکی و پهبادی و اختلافات ارضی همسو بوده است. با این وجود، به نظر می‌رسد منافع فزاینده چین از همکاری با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس باعث شده تا رویکرد آن کشور نسبت به مسائل خلیج فارس از جمله اختلافات بر سر مسائل ارضی، امنیتی و نظامی به ضرر ایران تغییر کند. برای مثال، عربستان سعودی ۱۸ درصد نفت خود را به چین می‌فروشد. دو کشور طرح چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان را با طرح کمربند و جاده چین مرتبط ساخته و یک رابطه عمیق و مکمل برقرار کرده‌اند. تجارت بین دو کشور در سال ۲۰۲۱ میلادی به ۸۰ میلیارد دلار رسید (در مقایسه با آن تجارت ایران و چین به ۸.۱۴ میلیارد دلار رسید) و شرکت‌های چینی از سال ۲۰۰۵ تاکنون بیش از ۳۶ میلیارد دلار قرارداد در عربستان سعودی به دست آورده‌اند. چین شریک تجاری شماره یک عربستان سعودی محسوب می‌شود چین تأمین‌کننده فناوری، مشتری بلندمدت انرژی و شریک استراتژیک جامع با یک کرسی دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد قلمداد می‌شود. این واقعیت نشان می‌دهد که چین ممکن است از یک سیاست منطقه‌ای عدم تعهد به سمت سیاست انتقاف‌سازی تغییر جهت دهد. با این وجود، دخالت چین در منطقه امروز بیشتر به موصون سازی نزدیک است و نه سیاست اتحاد. در واقع، ایران و چین در مارس ۲۰۲۱ سند همکاری راهبردی جامع امضا کردند و ایران قرار است در سال ۲۰۲۳ به سازمان همکاری شانگهای به رهبری چین بپیوندد. منشور آن سازمان بر اصول «احترام متقابل به حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی دولت‌ها و تخطی از مواضع تأکید می‌رورد. موضع چین در قبال ایران ا تکیه به سیاست خارجی «نگاه به شرق» را با علامت سوال روبه‌رو کرده است سیاستی که برخی از آن تحت عنوان راهبردی مهم برای دور زدن تحریم‌های آمریکا، پیشبرد شکوفایی اقتصادی ایران و جلب حمایت چین از نظام سیاسی و نخبگان ایران دفاع می‌کنند. اظهارات شی در عربستان سعودی نشان می‌دهد که سیاست نگاه به شرق ایران و عضویت آن کشور در سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در غیاب رابطه متعادل با غرب نتیجه چندان مطلوبی به دنبال نخواهد داشت. برخی این ذهنیت را دارند که جهان به دو بخش شرق و غرب تقسیم شده و برای تقویت استقلال خود به منافع مشترک چین و ایران در رویارویی با ایالات متحده اشاره می‌کنند. با این وجود، واقعیت آن است که نوع رویارویی چین و با آمریکا متفاوت از جنس رویارویی ایران با ایالات متحده است. البته در رویارویی چین با آمریکا نیز دشمنی مبتنی بر منطق بازی حاصل جمع صفر وجود دارد اما رقابت آن دو کشور تحت تاثیر روابط نزدیک اقتصادی چین با ایالات متحده است.

در پیچه

سفیر پیشین ایران در عراق:

حتماً آمریکامناهیی برای انجام ترور سردار سلیمانی داشته‌است

سفیر سابق ایران در عراق اظهار کرد: حتماً آمریکایی‌ها منابعی در سوریه، عراق و لبنان داشته‌اند که توانسته‌اند اقدام به برنامه‌ریزی و انجام ترور شهید قاسم سلیمانی کنند. ایرج مسجدی در حاشیه میزگرد تخصصی شهید قاسم سلیمانی و مبارزه با تروریست و افزایش گری در منطقه غرب آسیا که در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه برگزار شده بود در جمع خبرنگاران در پاسخ به سوال ایسنا در ارتباط با برخی اخبار منتشر شده در مورد نقش مصطفی الکاظمی نخست وزیر پیشین عراق در پرونده ترور سردار قاسم سلیمانی گفت: نکته‌ای که به آن می‌توانم اشاره کنم این است که حتماً آمریکایی‌ها منابعی در سوریه، لبنان و عراق داشته‌اند که توانسته‌اند که این ترور را برنامه‌ریزی کنند و انجام دهند. وی ادامه داد: مطالبی که در ارتباط با این موضوع مطرح می‌شود باید در دادگاه صالحه با اسناد و مدارک بررسی شود و لذا ما نمی‌توانیم به کسی را متهم کنیم و یا تبرئه کنیم. این موارد نیازمند بررسی قضائی است و باید با اسناد و مدارک بررسی شود که چه کسانی در این قضیه مقصر بوده‌اند و به آمریکایی‌ها در این زمینه کمک کرده‌اند. مسجدی با اشاره به سابقه آشنایی خود با سردار قاسم سلیمانی از زمان دوران دفاع مقدس و همچنین حضور ایشان در سپاه قدس اظهار کرد: وقتی که ایشان ترور شدند من به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق مشغول به فعالیت بودم آقای سلیمانی در راستای مقابله با گروه تروریستی داعش و کمک به عراق در این زمینه مرتباً و مستمرآ به عراق می‌آمدند و به نیروهای مسلح عراق و حشدالشعبی از لحاظ مدیریتی برنامه‌ریزی، پشتیبانی لجستیکی کمک می‌کردندایشان نقش برجسته‌ای در عراق در مبارزه با تروریست داشتند. تمام سفرهای ایشان به عراق رسمی و به دعوت عراق بود. شهید سلیمانی در سفر آخرشان به عراق به دعوت آقای عادل عبدالمهدی نخست وزیر عراق به این کشور سفر کرده بودند ایشان سه سیزدهم ماه به عراق آمدند و قرار بود استراحت کنند و صبح روز بعد هشت صبح با آقای عادل عبدالمهدی نخست وزیر عراق قرار جلسه داشتند. همان طور که گفتم این سفر به دعوت عراقی‌ها انجام شده بود و متأسفانه صبح روز بعد شهادت ایشان به جای اینکه جلسه ایشان با آقای عادل عبدالمهدی برگزار شود من با آقای عادل عبدالمهدی در مورد شهادت ایشان جلسه داشتم.

امان ... قراپی مقدم در گفت وگو با «آرمان ملی»:

افزایش مهاجرت نخبگان روند توسعه را مختل می کند

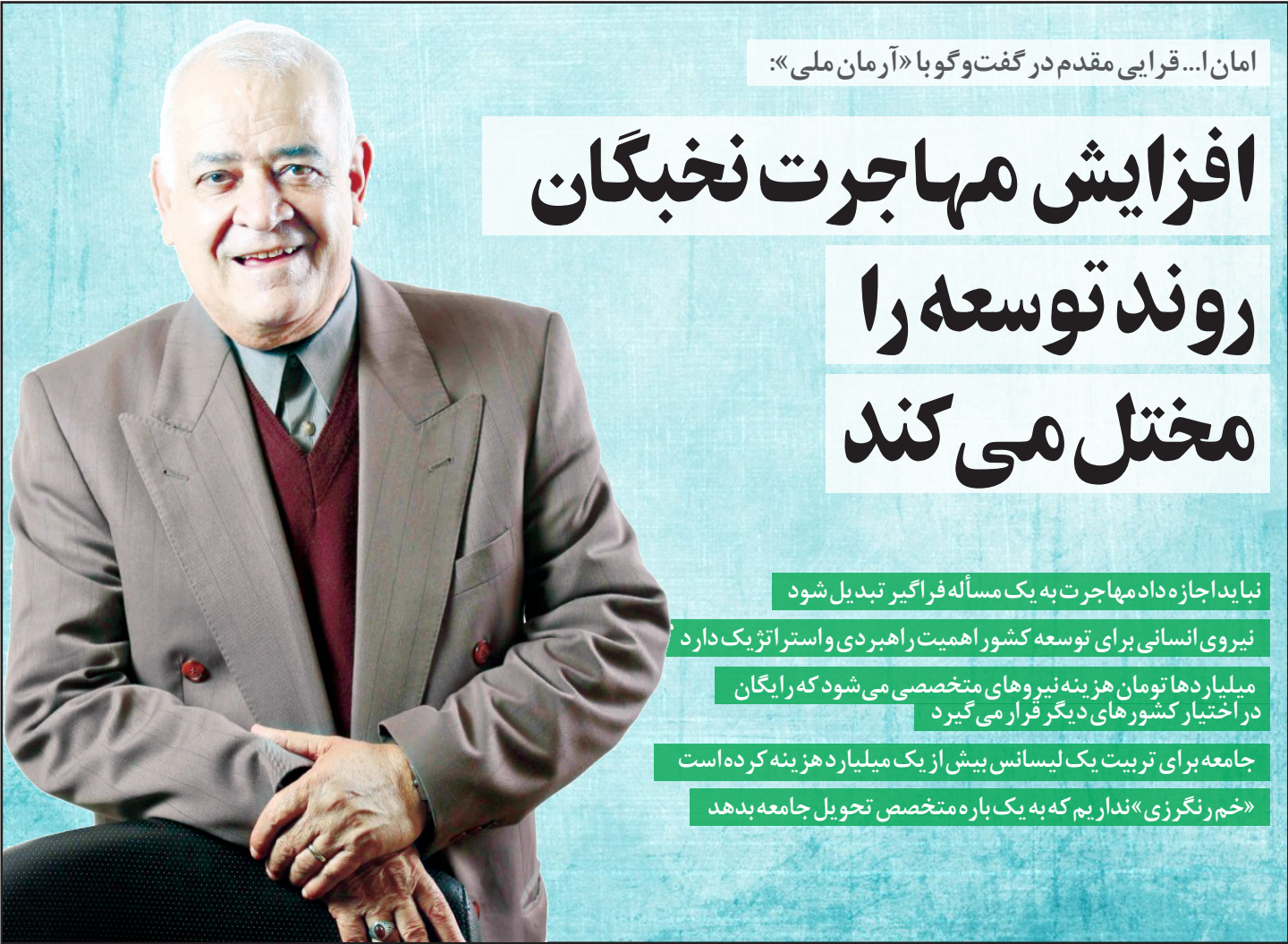
نباید اجازه داد مهاجرت به یک مسأله فر اگیر تبدیل شود

نیروی انسانی برای توسعه کشور اهمیت راهبر دی واستراتژیک دارد

میلیاردها تومان هزینه نیروهای متخصصی می‌شود که را بیگان در اختیار کشورهای دیگر قرار می گیر د

جامعه برای تربیت یک لیسانس بیش از یک میلیارد هزینه کرده‌است

«خم رنگری» نداریم که به یک باره متخصص تحویل جامعه بدهد



آرمان ملی – احسان انصاری: تمایل به مهاجرت در میان نخبگان دار دروند افزایشی به خود می‌گیرد. اگر در گذشته تنها متخصصان و نخبگان به فکر مهاجرت بودند در شرایط کنونی این موضوع به بخش‌های دیگر جامعه نیز سرایت کرده و به یک پدیده اجتماعی تبدیل شده است. از سوی دیگر تمایل به مهاجرت وابستگی‌های سنی، مالی و شغلی خود را نیز از دست داده است. در چنین شرایطی جامعه ایران با خطر از دست دادن نخبگان به عنوان ابزار اصلی توسعه مواجه خواهد شد. «آرمان ملی» برای بررسی مهم‌ترین دلایل مهاجرت‌ها و پیامدهای آن با دکتر امان ... قراپی مقدم، جامعه‌شناس گفت‌وگو کرده است. قراپی مقدم علاقه به مهاجرت از کشور به این اندازه نبود و تنها افرادی تمایل به مهاجرت داشتند که از بورس تحصیلی و یا کاری بر خور دار می‌شدند و برای آینده شغلی بهتر به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کردند. این در حالی است که در شرایط کنونی مسأله مهاجرت به یک مسأله نسبتاً فر اگیر تبدیل شده و افراد مختلف از ا فشار مختلف جامعه به فکر مهاجرت از کشور هستند. این در حالی است که اعتراضات اخیر که در کشور به وجود آمد میزان مهاجرت به خارج از کشور را بیشتر کرده است.» در ادامه حاصل این گفت‌وگور می‌خوانید.

◀ **چرا پس از اعتراضات اخیر تمایل برای مهاجرت بیشتر از گذشته شده است؟**

بنیامین هگنز، استاد دانشگاه هاروارد که در زمینه فرار مغزها مطالعاتی را انجام داده عنوان می‌کند: «هیچ سازمان و مقرراتی در زمینه رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بدون اینکه مردانی که آن را اداره می‌کنند بداندند که چه کاری انجام می‌دهند به نتیجه نخواهد رسید.» این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که نیروی انسانی برای مدیریت جامعه به چه اندازه حائز اهمیت است. آلفرد مارشال، برنده جایزه نوبل اقتصاد نیز عنوان می‌کند:

«اگر آموزش و پرورش کشوری در طول ۱۰۰ سال یک مخترع را پرورش بدهد هزینه ۱۰۰ ساله آموزش و پرورش آن کشور را جبران کرده است. اغلب جامعه‌شناسان بزرگ جهان روی موضوع نیروی انسانی و اهمیت آن در مقوله توسعه اجماع نظر دارند و کتاب‌های زیادی درباره این موضوع نوشته شده است. در نتیجه هیچ چیزی نمی‌تواند در پروسه توسعه، جایگزین نیروی انسانی کارآمد شود. در واقع نیروی انسانی است که جامعه را مدیریت می‌کند. به همین دلیل نیروی انسانی برای توسعه و کشور اهمیت راهبردی و استراتژیک دارد. نیروی انسانی در زمینه‌های مختلف تخصصی در جامعه حائز اهمیت است و تنها مختص به یک تخصص نیز نیست. هگنز همچنین بر این باور است که کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده مانند عربستان و... با درآمدهای ارزی که دارند پیشرفته‌ترین تکنولوژی و صنعت را وارد کنند، اما نیروی انسانی ماهر و متخصص نداشته باشند به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی نمی‌رسند. دلیل این موضوع این است که نیروی غیر ماهر و غیر متخصص نمی‌تواند از این تکنولوژی استفاده کند. سوال مهمی که امروز مطرح است این است که چه کسی هزینه خسارت‌های ناشی از مهاجرت نخبگان از کشور را پرداخت می‌کند؟ بنده به صراحت عنوان می‌کنم که هر متخصصی که از کشور خارج شود یک چاه نفت خاموش می‌شود.

◀ **آیا در کشور متولی برای مهاجرت نخبگان وجود دارد که بررسی‌های لازم را درباره دلایل و پیامدهای مهاجرت نخبگان انجام بدهد؟**

خیر؛ چنین وضعیتی وجود ندارد. اگر متولی و مسئولی وجود داشت میزان مهاجرت افزایش پیدا نمی‌کرد. در گذشته علاقه به مهاجرت از کشور به این اندازه نبود و تنها افرادی تمایل به مهاجرت داشتند که از بورس تحصیلی و یا کاری بر خوردار می‌شدند

و برای آینده شغلی بهتر به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کردند. این در حالی است که در شرایط کنونی مسأله مهاجرت به یک مسأله نسبتاً فر اگیر تبدیل شده و افراد مختلف از اقشار مختلف جامعه به دنبال مهاجرت از کشور هستند و یا به آن فکر می‌کنند. این در حالی است که اعتراضات اخیر که در کشور به وجود آمد میزان مهاجرت‌ها به خارج از کشور را تشدید کرده است. براساس اخباری که من منتشر می‌شود تاکنون صدها پزشک تنها به کشورهای حاشیه خلیج فارس مهاجرت کرده‌اند و هزاران متخصص دیگر به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند.

واقعیت تأسف بار این است که ما میلیاردها تومان هزینه کرده‌ایم تا نیروی متخصص در جامعه تربیت کنیم اما به صورت رایگان در اختیار کشورهای بیگانه قرار می‌دهیم. براساس دیدگاه آلفرد سویی، جامعه‌شناس فرانسوی هر فردی در جامعه یک هزینه سرانه دارد. از لحظه تشکیل نطفه یک فرد هزینه سرانه آن کشور‌های جهان سوم نظیر ترکیه، یونان، ارمنستان و اوکراین هم مراحل رشد فرد وجود دارد و تا بزرگسالی ادامه پیدا می‌کند. در چنین وضعیتی برای پرورش و تربیت یک لیسانس در ایران بیش از یک میلیارد هزینه سرانه هزینه شده است. این در حالی است که هزینه‌هایی که در این زمینه صورت می‌گیرد به راحتی وبه صورت رایگان در اختیار کشورهای دیگر قرار می‌گیرد.

◀ **این نیروی انسانی که از کشور خارج می‌شود چگونه جایگزین می‌شود؟**

جایگزین کردن این نیروهای انسانی سال‌ها زمان خواهد برد و هزینه‌های زیادی به همراه خواهد داشت. مگر «خم رنگری» است که بتوان به یک باره یک نیروی متخصص و توانمند از آن بیرون بیاید. تردید تکنید که هر نیروی متخصصی که از کشور خارج می‌شود ثروت و رشد و توسعه کشور در زمینه‌های مختلف دچار افت می‌شود. هنگامی که یک پزشک، مهندس یا روزنامه‌نگار از کشور مهاجرت می‌کند نیروی راهبردی توسعه از کشور خارج شده است. نباید این موضوع را به صورت ساده نگاه کرد. چرا کشورهای جهان سوم در عین حالی که از منابع طبیعی کافی برخوردار هستند اما توسعه پیدا نمی‌کنند؟ بدون تردید یکی از دلایل اصلی آن نداشتن نیروی متخصص و کارآمد است. این در حالی است که ما به راحتی نیروی متخصص و کارآمد تربیت می‌کنیم اما آنها را در اختیار کشورهای دیگر قرار می‌دهیم. جوزف شومپیتر دوازده اصل اقتصادی دارد که در اصل هشتم

و یازدهم عنوان می‌کند هر زمان آب و هوای اجتماعی مساعد نباشد رشد و توسعه کاهش پیدا می‌کند. امروز آب و هوای اجتماعی در ایران مساعد نیست. جامعه امروز با کاهش سرمایه اجتماعی مواجه است. نیروی متخصص جامعه چشم‌انداز چندان روشنی برای خود مشاهده نمی‌کند. جوانی که امروز از دانشگاه صنعتی شریف و یا تهران فارغ التحصیل می‌شود چه آینده‌ای می‌تواند برای خود متصور شود در حالی که نه شغلی دارد و نه آینده چندان روشنی برای کاهش مشکلات اقتصادی برای خود متصور نیست.

◀ **مهم‌ترین دلایلی که مهاجرت‌ها افزایش پیدا کرده چیست؟**

علت افزایش روند مهاجرت، مواردی نظیر فضای اجتماعی و حیاتی یک جامعه، نبود احساس راحتی، اشتغال و بیکاری و نداشتن چشم‌انداز مطلوب برای آینده‌است. تبلیغات گسترده و نشان دادن فضاهای زیبا از طریق رسانه‌های بیگانه و کشورهای

جذب‌کننده مهاجرت نیز در افزایش روند مهاجرت تأثیر گذار است و متعاقب آن، سرمایه انسانی متخصص از کشور خارج می‌شود. فرار مغزها و جذب نیروهای متخصص از کشورهای جهان سوم نظیر ایران، جزو برنامه‌های مهم کشورهای توسعه یافته است. یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه کشور، سرمایه انسانی است و کشورهای توسعه یافته به خوبی آگاه هستند که تربیت یک نیروی متخصص چقدر هزینه دارد. اقشار عادی جامعه به سایر کشورهای جهان سوم نظیر ترکیه، یونان، ارمنستان و اوکراین مهاجرت می‌کنند اما مبنای جذب مهاجر در کشورهای توسعه یافته، نخبه بودن است که منجر به گسترش مهاجرت مغزها می‌شود. این کشورها نیروی کار نیز لازم دارند اما جذب نیروی انسانی متخصص در دستور کار آنهاست. یکی از دلایل پیشرفت کشوری مانند آمریکا، جذب نیروی متخصص و جوان از سراسر جهان است. چنین کشورهایی هنگامی که با درخواست تقاضای مهاجرت افراد روبه‌رو می‌شوند، تخصص و کاربردی بودن آن‌ها را مدنظر قرار می‌دهند و اگر دارای کاربرد یا تخصص لازم نباشند، به آن‌ها مجوز ورود نمی‌دهند. کشورهای توسعه یافته، نخبگان و متخصصان را جذب می‌کنند؛

چراکه بدون هزینه کردن یک ریال، نیروی انسانی آماده‌ای را به دست می‌آورند. مهاجرت نخبگان بسته به حال و هوای جامعه دارد و تنها بیکاری و تأمین نشدن مایحتاج عامل مهاجرت نخبگان نیست. نخبه جوان نمی‌تواند محرومیت از امکانات و ناکارآمدی‌ها را تحمل کند. این موارد موجب می‌شود مهاجرت نخبه انجام شود. زمانی که یک نخبه احساس مثبتی به آینده ندارد از کشور خارج می‌شود تا آینده بهتری را برای خود

ایجاد کند. اقتصاد بر مهاجرت نخبگان اثر گذار است وقتی که جوان می‌بیند که نمی‌تواند آینده‌ای برای خود به علت فشارهای اقتصادی فراهم کند، تصمیم به مهاجرت می‌گیرد.

◀ **چگونه می‌توان از این روند مخرب جلوگیری کرد؟**

بنده بیست سال قبل در یکی از روزنامه‌های کشور مقاله‌ای با عنوان «چه کسی بخارت فرار نخبگان را از کشور می‌پردازد» نوشته بودم. وقتی بیکاری زیاد است و درآمد کم است زمینه برای مهاجرت فراهم می‌شود. اگر قرار است از این روند مخرب جلوگیری شود باید به صورت ریشدای با این موضوع برخورد کرد. نخبگان و متخصصان جامعه شرایط اجتماعی را بررسی می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که دیگر ادامه فعالیت امکان پذیر نیست. در چنین شرایطی کشورهای دیگر از خلیج فارس تا آمریکا و اروپا این مغزها را جذب می‌کند. در حقیقت ما به قول مارکس آدم‌های کارگر وارد می‌کنیم و مغز می‌فرستیم. ما باید محیط را مساعد کنیم، محیط را شاد کنیم، محیط را دوام‌بخازیم و به جوانان امید بدهیم. آینده خوبی را به وجود بیاوریم. سرمایه انسانی کشور با هیچ چیز قابل مقایسه نیست و ما به راحتی در حال از دست دادن آن هستیم. در شرایط کنونی سن مهاجرت به دانش آموزان رسیده است. اگر مسئولان متخصص تر و اقتصاددان بودند اینگونه نمی‌شد که ثانیه به ثانیه همه چیز گران شود. تورم و گرانی روزانه بالا می‌رود و ما نیروی انسانی کشور را به دلیل این شرایط از دست می‌دهیم. درحالی که کشور امروز به سرمایه‌های خود و به نیروی انسانی خود نیاز دارد. بخش‌های مختلف کشور امروز نیاز به نیروی متخصص و توانمند دارد. اگر این نیروها از بین برود منابع طبیعی و خدادادی نیز از بین می‌رود و ما نمی‌توانیم به درستی از آنها استفاده کنیم.

فـارو

آیا ماجرای سال ۲۰۱۵ تکرار می‌شود؟

تکرار بازی برجامی نتانیاو

سرانجام با موافقت کنست (پارلمان رژیم صهیونیستی)، نتانیاو در راس معادلات اجرایی تل آویو قرار گرفت تا فصل نونیی از بحران در اراضی اشغالی کلید بخورد. نتانیاو در سخنرانی خود در کنست، مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران، گسترش پیمان ابراهیم و عادی سازی روابط با عربستان سعودی را در زمره اهداف اصلی خود اعلام کرد. مراسم تحلیف دولت نامشروع نتانیاو در کنست در حالی آغاز شد که مهم‌ترین محور سخنرانی او، بر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی متمرکز بود. وی در این خصوص مدعی شد: «جمهوری اسلامی در تلاش است با ساخت بمب اتم، امنیت و موجودیت اسرائیل را از بین ببرد. مهم‌ترین اولویت من، نابودی کامل پروژه هسته‌ای تسلیحاتی!! ایران خواهد بود. تمام تلاش‌های ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را متوقف خواهیم کرد.» این نخستین بار نیست که نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس سخن از نابودی پروژه‌های تسلیحاتی ایران به میان می‌آورد! بیان این سخنان از سوی نتانیاو و حتی سیاستمداران تندروی دیگر صهیونیستی مانند آویگدور لیبرمن مسبوق به سابقه بوده است. فراموش نکنیم که نتانیاو به جز اواخر دهه ۹۰ میلادی، از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۱ هم به مدت ۱۲ سال بر مسند نخست‌وزیری رژیم اشغالگر قدس تکیه زده بود. در طول این مدت، بارها تهدیداتی از سوی نتانیاو علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح شد اما به دلیل ضعف ذاتی، داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی رژیم اشغالگر قدس فعلیت پیدا نکرده است. فراتر از آن، نهادهای امنیتی و نظامی رژیم اشغالگر قدس بارها به نتانیاو و دیگر مقامات سیاسی این رژیم هشدار داده‌اند که هرگونه تقابل مستقیم با فعالیت هسته‌ای ایران متناظر با پاسخ صریح تهران و نابودی دیمونا (پایگاه و منطقه هسته‌ای رژیم صهیونیستی) و حتی فراتر از آن، بروز تنش غیر قابل کنترل در دیگر مناطق اشغالی همراه خواهد بود. در جریان نبرد سال ۲۰۲۱ میلادی میان حماس و رژیم صهیونیستی، هزاران موشک قسام به سوی تل آویو و حيفا شلیک شد که بسیاری از آنها در این دو شهر فرود آمد. پس از پایان جنگ، بسیاری از ژنرال‌ها و استراتژیست‌های نظامی رژیم صهیونیستی اذعان کردند که قدرت بازدارندگی این رژیم در ابعاد گوناگون (موشکی، تسلیحاتی، ... و...) تضعیف شده و در چنین شرایطی، تل آویو آمادگی ورود به هیچ‌گونه منازعه منطقه‌ای گسترده‌ای را ندارد نکته مهمتر، به شرایط حاکم بر اراضی اشغالی باز می‌گردد. استقرار نتانیاو در مسند قدرت منتج به بروز بحران‌های سختی در معادلات امنیتی تل آویو خواهد شد که یکی از آثار آن، بروز تنش‌های داخلی و حتی خیابانی در اراضی اشغالی است. قطعاً در این معادله، نتانیاو و شریک ائتلافی وی «بن‌گوریو» قدرت تمرکز حاقلی بر معادلات داخلی تل آویو را از دست خواهند داد و خلق هرگونه بحران منطقه‌ای جدید، روند آسیب‌پذیری و سقوط آنها را تقویت خواهد کرد.

◀ **دستان بسته نتانیاو**

برخلاف آنچه نتانیاو مدعی شده است، دستان او اکنون نسبت به هر زمان دیگری در برابر تهران بسته تر است. در این میان، مسأله مخالفت نتانیاو و همراهانش با احیای توافق هسته‌ای کاملاً محرز و مشخص است! از سال ۲۰۱۵ میلادی نیز نتانیاو نهایت تلاش خود را جهت جلوگیری از دستیابی به توافق برجام به کار گرفت. او حتی در سفر به واشنگتن بدون آنکه با باراک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا دیدار کند، به کلنگه رفت تا سخنرانی تأثیرگذاری را در جریان جریجوی از انعقاد برجام صورت دهد اما در مجموع تلاش وی ناموفق بود. طبق آنچه رسانه‌ها و منابع موثق تحلیلی گزارش داده‌اند، مقامات آمریکایی در دیدارهای مکرر خود با مقامات تل آویو اذعان کرده‌اند که راهکاری جز دیپلماسی و مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای ایران وجود ندارد و صهیونیست‌ها نیز باید این واقعیت را بپذیرند! در دوران نخست‌وزیری یائیر لاپید، مقامات حزب دموکرات آمریکا تحت تأثیر روابطی که با جریان لیبرال در اراضی اشغالی داشتند، احیای برجام را تا برگزاری انتخابات سراسری در اراضی اشغالی به تأخیر انداختند اما اکنون، با حضور نتانیاو در مسند قدرت میان رویکرد تاکتیکی کاخ سفید و تل آویو بر سر برجام اختلافاتی بروز پیدا خواهد کرد. اوباما در دوران ریاست جمهوری خود نتوانست این اختلافات را مدیریت کند و بآدن و همراهانش نیز در این خصوص قدرت مانور چندانی نداشت. این تقابل گفتاری طی روزها و هفته‌های آتی بیش از پیش خود را نشان خواهد داد، خصوصاً آنکه زمره‌های چپ‌ساز دوباره میز مذاکرات اکنون شنیده می‌شود!